

طلبکار نیستم

خانم محتشمی نیا هیچ وقت به دنبال جبران کردن این محبت نه تنها از سمت زائران بلکه حتی از سمت امام رئوف هم نبوده است. او می گوید: آرزویم این است که یک خانه بخرم که کلاً آن را در اختیار زائران قرار دهم که راحت باشند. تمام این سال هایی که در خدمت زائران بودم هر وقت تعارفی کرده اند گفته ام که شما نیازی نیست جبران کنید یا ناراحت باشید چرا که من با امام رضا (ع) معامله کرده ام. البته که این معامله کردن به معنای توقع داشتن از آقا نیست، هر چه هست لطف ایشان است. همیشه گفته ام که من بچه هایم را به شما می سپارم و ایشان هم روی من را زمین نزده اند، ولی این نه از سر طلبکاری است بلکه لطف آقا است. توقعی ندارم اما ایشان به من و زندگی ام توجه و عنایت دارند.

از کل ایران بوده اند

وقتی حرف از واگذاری تمام خانه به زائران می شود، باید پای بقیه خانواده را هم کشید وسط. اینکه آن ها هم همراه هستند یا نه، خیلی مهم است. نرجس خانم درباره همراهی خانواده اش در این مسیر می گوید: من یک دختر دارم که ازدواج کرده و نوه هم دارم. او که خانه خودش است. پسر هم بزرگ است و همراه. از همراهی اش این را بگویم که یک روز در میدان شهدا مشغول عکاسی بوده که خانم مَسْنی از او سؤال می کند جایی را برای اسکان سراغ نداری؟ او هم بدون اینکه بگوید من مادرش هستم شماره ام را به آن خانم داده بود. بنده خدا زنگ زد. سه خانواده بودند که آمدند و یک شبانه روز مهمان ما شدند. من به آن ها هم پیشنهاد دادم که بروم تا در خانه راحت باشند ولی خودشان خواستند که بمانم. من هم ماندم و چای و غذا آماده کردم. البته این را هم بگویم که غذایی که آماده می کنم از همان چیزی است که در خانه دارم. سخت نمی گیرم تا برای زائر هم سخت نباشد. همسر هم در این مسیر با من همراه است فقط کمی نگرانی های امنیتی دارد به خاطر عدم شناختی که وجود دارد ولی خودم اصلاً نگرانی ندارم و شکر خدا تا الان مشکلی هم پیش نیامده است. تمام خانه را در اختیارشان می گذارم. البته که این اعتماد دو طرفه است بالاخره زائر هم به ما اعتماد می کند که خانه می آید. وسایل شان را در خانه می گذارند و زیارت می روند. خیلی وقت ها هم چون تردد با مترو راحت تر است ماشین را داخل پارکینگ می گذارند و می روند. این اعتماد دو طرفه است که البته لطف حضرت رضا (ع) است. زائران خانه ما از کل ایران بوده اند از ملایر و شیراز بگیرد تا گنبد و کرمان. خاطرم است یک بار زیر یکی از پست هایی که از حرم گذاشته بودم خانمی از روستاهای سمت ملایر، پیام گذاشته بود که امام رضا (ع) کی می شود بیایم حرم شما؟ از روی پست هایش در اینستاگرام متوجه شدم مادر و دختری هم دارد. پیام دادم که خودت و دخترم و مادرت بیایید مشهد، مهمان من. بنده خدا از این پیشنهاد من آن قدر گلویش را بغض گرفته بود که نمی توانست پیام صوتی بگذارد. وقتی زنگ زد تا صحبت کنیم حق می کرد. زائر اولی بود و کلی ذوق داشت که به لطف آقا آمد و زیارت قسمت او شد.

قرار نیست جبران کنم

خانم محتشمی نیا خانه ای که در اختیار زائران می گذارد دقیقاً خانه ای است که خودش هم در آن زندگی می کند. خانه ای حدوداً ۹۰ متری سمت بولوار دانشجو که دو اتاق خواب دارد و به فراخور تعداد زائران مهمان این اتاق ها تقسیم می شود. او می گوید: اینکه می گویند پیاده روی اربعین درس است واقعاً درست است. من بعد از سال ۹۰ توفیق داشتم که هر سال در این پیاده روی مشرف شوم. یک چیز دیگری که یاد گرفتم این بود که اقلام مورد نیاز زائران پیاده را که خودم در پیاده روی اربعین می خواستم و چندان در دسترس نبود برای زائران پیاده دهه پایانی صفر که به مشهد می آیند تهیه کنم و در جاده بین زائران توزیع کنم. به خصوص اقلام بهداشتی که کمتر به آن توجه می شود ولی خیلی مورد نیاز است مثل دستمال کاغذی که جواهری است برای خودش در ایام پیاده روی. در این مسیر خدمت خواهرهایم هم همراه من شده اند. خانه من که کوچک و ۹۰ متری است ولی خانه آن ها بزرگ و ۱۵۰ متری است و هر کدام سه خواب دارند. آن ها هم اعلام آمادگی کرده اند و وقتی خانه خودم پر است زائران را می برم خانه خواهرهایم. آن ها هم یک خواب را برای خودشان نگه می دارند و دو خواب دیگر را برای زائران می گذارند. کل خانه و زندگی هم در اختیار مهمان است از سرویس ها و حمام بگیرد تا آشپزخانه. البته در خانه ما که دو خواب است شرایط فرق می کند براساس تعداد مهمانان تصمیم می گیریم که از اتاق ها چطور استفاده کنیم. مثلاً اگر زوجی جوان بیایند یکی از اتاق ها را برمی دارند ولی اگر چند خانواده باشند خودشان تصمیم می گیرند که در یکی از اتاق ها خانم ها و در یکی آقایان بخوابند. این را هم بگویم که وقتی زائری می آید من می گویم که اگر راحت نیستید می روم و خانه در اختیار شما باشد ولی تا به حال همه خواسته اند که بمانم. وقتی هستم از صبحانه گرفته تا شام را آماده می کنم. البته که زائران در خانه نمی مانند صبح می روند و شب برمی گردند. آمده اند برای زیارت ولی من در حد توانم البته با محوریت ساده زیستی غذایی تهیه می کنم. نمی خواهم باغذاهای سنگین و سفره رنگین کاری کنم که زائر اذیت شود و به دنبال جبران کردن باشد. تمام زائری که می آیند شماره می دهند و می خواهند که حتماً به خانه آن ها بروم ولی من قرار نیست جبران کنم چون با امام رضا (ع) معامله کرده ام.

